

مشرق زمین

## گاهواره تمدن

در بحث گذشته باینجا رسیدیم که « خود باختگی و « حقارتی » که امروز « شرقیها » در برابر « غربیها » احساس میکنند تا کنون سرچشمه بدبختیها و مشکلات فراوانی شده ، و در آینده نیز عواقب خطرناک و شومی ببار خواهد آورد بنا بر این باید با تمام قوا، برای از بین بردن این احساس « حقارت » و « خود کم بینی » بپاخیزیم و این سرطان مهلک را از اعماق افکار بسیاری از مردم شرق ریشه کن سازیم و طرحهایی نیز برای این موضوع ارائه داده شد اکنون بقسمت دوم این بحث توجه فرمائید .

\* \* \*

هنوز کسانی یافت میشوند که وقتی چشمشان بیک نفر اروپائی یا آمریکائی میخورد خیره باو نگاه کرده و سراپای او را ورنه اندازه میکنند ببینند راستی « خارجی » چگونه موجودی است که این تمدن ماشینی را با همهٔ مخلفاتش پدید آورده است ؟

این مسئله منحصر بطبقه عوام و چشم و گوش بسته ها نیست ، بلکه در میان طبقهٔ باصلاح « رجال » نیز کسانی دیده میشوند که وقتی میخواهند از سفرهای خود بارو یا آمریکا بحث کنند چنان آب دردها نشان جمع میشود که گویا از یک حادثهٔ فوق العاده « افتخار آمیز » و لذت بخش صحبت می نمایند !

ولی همانطور که گفتیم غربیها نه یک « جنس برتر » هستند و نه یک نژاد مافوق انسانی از

کره مریخ و مشتری ، بلکه تمدن آنها خیلی «تازه» و سابقه توحش آنها خیلی «قدیم» است و آن روز که تمدن در «شرق» جوانه زد در «غرب» مطلقاً خبری از تمدن نبود .  
برای روشن شدن این حقیقت و برای اینکه کسی خیال نکند کمترین مبالغه و اغراقی در این سخن است بد نیست زندگی پرماجراي انسانرا از نخستین روزهایی که قدم روی زمین گذارد مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم نخستین برق تمدن از کجا درخشید !

\* \* \*

### دور نمائی از آغاز حیات در روی زمین

هیچکس درست نمی داند اولین طلیعه حیات و زندگی در روی کره زمین از کی شروع شده ؟ همینقدر میدانیم که تا کنون هر چه دانشمندان در این زمینه بیشتر کاوش کرده اند تاریخ پیدایش حیات را دورتر برده اند ، و به همین دلیل این مسئله صورت پیچیده تر و اسرار آمیز-تری بخود گرفته است .

آخرین تحقیقات دانشمندان میگوید : کره مسکونی ما ( احتمالاً ) در چهار هزار میلیون سال قبل تولد یافته !

سه هزار میلیون سال بر این کره زمین گذشت که از زندگی و حیات مطلقاً نام و نشانی نبود همه جا آتش بود ، همه جادود و بخار بود تا پوسته زمین کمی سرد و چین خورد گیها بصورت کوهها و دره های عظیم در آن آشکار شد .

سپس دوران بارانهای سیلابی شروع گردید هزاران سال طوفان و بارانهای سیل آسا زمین را میدان تاخت و تاز خود قرار داده بود ، و امواج کوه پیکر صخره های عظیم راهمه جادر هم میکوبیدند و بر تمام قارها میدوید .

گویا این بارانها وسیله مأموریت داشتند مانند يك «تراکتور عظیم» زمینها را هموار کنند ؛ صخره ها را بشویند و دشتها و جلگه های وسیعی که بستر زندگی انسان و سایر جانداران و محل روئیدن انواع گیاهان است بوجود آورند .

بالاخره این مأموریت بخوبی انجام گردید ، آبها در گودالهای عظیم جمع شدند و دریاها بوجود آمدند ، کوهها بمقدار زیادی سائیده شد ، دره های پر گردید و زمینهای هموار و نرمی بوجود آمد .

پس از سه هزار میلیون سال یا قدری بیشتر ( که باز تاریخ دقیق آن در دست نیست ) نخستین جوانه زندگی در دریاها و در میان آبی که مایه حیات است پدیدار گردید .

جانداران با اشکال عجیب و مختلف ، یکی پس از دیگری بوجود آمدند ، عده ای از

نژادهای آنها برای همیشه منقرض شدند وعده ای دیگر باقیمانده و در همه جا منتشر شدند .  
چگونگی پیدایش این جانداران گوناگون از اسرارآمیز ترین فصول تاریخ زندگی کره  
مسکونی ماست :

همین تحقیقات میگوید : «کاملترین نوع جانوران که پستانداران باشند : شاید از  
یکصد میلیون سال قبل باین طرف پیدا شدند .

### اما انسان

از پیدایش انسان در روی زمین مدت زیادی نمیگذرد این مدت را بچندصد هزار سال تا  
چند میلیون سال تخمین میزنند این مدت گرچه در برابر عمر زمین و پیدایش حیات در آن بسیار  
ناچیز است ولی در حد خود مدت کمی نیست ، اما متأسفانه تحولاتی که در این مدت، در زندگی  
انسانها و قسمتهای مختلف زمین روی داده نیز بطور وضوح بر ما روشن نیست .

اطلاعات نسبتاً روشن ما درباره انسان بیشتر مربوط به پنج شش هزار سال اخیر است  
که «خط» اختراع شده و تاریخ مدونی (آنهم چه تاریخی ؟) از زندگی بشر یادگار مانده  
است ( این دوران را دوران تاریخ و پیش از آنرا دوران قبل از تاریخ مینامند )

اگر مجموع عمر انسانرا در روی زمین برابر با « يك شبانه روز » فرض کنیم ، تمام  
دوران تاریخ بشر از «چند دقیقه» تجاوز نخواهد کرد ، و نسبت بهمه عمر زمین از يك «ثانیه» هم  
کمتر است ، وعده اطلاعات ما مربوط بهمین يك ثانیه میباشد .

ولی در این میان ، خاکها خدمت بزرگی بما کرده؛ و گنجینههای گرانبھائی از دوران  
ما قبل از تاریخ ، از آثار گوناگون زندگی گذشتگان ؛ در دل خود نگاهداشته که می تواند بسان  
يك نور افکن ضعیف ، پرتو کم رنگی بر قسمتهای تاریخ زندگی نیاکان ما بتابد و حقایقی از  
وضع آنها را بنا نشان دهد .

دانشمندان با استفاده از این شمع توانسته اند دوران ما قبل از تاریخ را بچهار دوران  
ممتاز بر اساس ابزار و آلاتی که از آنها بدست آمده تقسیم کنند :

نخست «عصر حجر قدیم» است که اطلاعات انسان از نیروها و مواهب آفرینش بسیار  
کم بود و تنها وسیله او برای ادامه حیات در صحنه پرغوغای زندگی تنها قطعات سنگهای بی -  
قواره ای بود که تا اندازه ای آنها بصورت سلاحهای ساده در آورده بود ، در اواخر این دوران  
انسان بکشف مهمی نائل گشت که قیافه زندگی او را عوض کرد ، و آن کشف «آتش» بود .

از این دوران که بگذریم به «عصر حجر جدید» میرسیم ، در این عصر ، انسان  
ابزارهای سنگی منظم و صاف و صیقلی بوجود آورد ، و تمییرات فراوانی در قسمتهای مختلف زندگی

خودداد ، عمر « عصر حجر جدید » خیلی کوتاه است ، و شاید از ده بیست هزار سال تجاوز نکند ؛ در حالی که « عصر حجر قدیم » بیش از ۹۰ درصد مجموع عمر بشر را در روی زمین اشغال می کند .

پس از این دوران « عصر برنز » یا « مفرغ » شروع میگردد که انسان برای نخستین بار با فلزات و طریق ذوب آنها آشنا میشود ؛ بالاخره « عصر آهن » که آخرین دوران قبل از تاریخ است با کشف فلز محکم و پرمقاومتی بنام آهن آغاز میگردد ، و قیافه زندگی انسان بکلی دگرگون میشود و کم برای شروع دوران « تمدن تاریخی » خود آمادگی پیدا میکند .

\* \* \*

در اینجا يك نکته قابل توجه وجود دارد و آن اینکه : اعصار مزبور در تمام نقاط جهان همزمان با یکدیگر شروع و پایان نیافته اند ، بلکه بعضی از نقاط جهان « عصر آهن » را طی میکردند در حالی که همان زمان نقاط دیگری « عصر حجر » را می پیمودند .

در این بین ، بنا بگواهی مورخان شرق و غرب هنگامیکه بسیاری از نقاط مشرق زمین بعصر آهن رسیده بودند اروپائیا در عصر حجر زندگی میکردند .

بد نیست این سخن را از زبان نویسندگان تاریخ تمدن غرب بشنویم در کتابی که بنام « تاریخی از تمدن » (۱) زیر نظر سه تن از اساتید برجسته دانشگاههای غربی نوشته شده چنین میخوانیم :

« اکنون این طور بنظر میرسد که در بعضی از قسمتهای آسیا انسان موقعی که به آخرین دوره ترتیب زمانی یعنی « عصر آهن » رسیده بود مردمی که در اروپا زندگی میکردند هنوز در « عصر حجر جدید » بسر میبردند و مردم استرالیا تقریباً در « عصر حجر قدیم » بودند .

کاوشها و حفریاتی که در نقاط مختلف مشرق زمین بعمل آمده نیز این حقیقت را روشن میکند که تمدن انسانی از شرق بغرب رفته است ، زیرا قدمت آثار برجسته ای که از انسانهای گذشته یادگار مانده در هیچیک از نقاط جهان پیاپی آثاری که در شرق پیدا شده نمیرسد .

و از این بیان بخوبی نتیجه میگیریم که شرقیها خیلی زودتر از غربیها مراحل ابتدائی تمدن را پشت سر گذاشتند ؛ و در حقیقت مشرق زمین گاهواره اصلی تمدن انسانی بوده است . این نخستین برك تاریخ تمدن بشری در روی زمین میباشد و در همین برك تفوق و برتری آشکار تمدن شرقی بچشم میخورد .

این اولین درسی است که در این سلسله بحثها باید آموخت و از این بیعد نیز باید در پرتو تاریخهای مستند ، مسیر تمدن انسانی را تعقیب کنیم و نقش شرق و غرب را در آن ارزیابی نمائیم